

دانش سیاسی ۸

حسین بشیریه

گذار به مردم سالاری

نشر نگاه معاصر

«بِهِ يَادِ الْهَمَةِ مُوسِيقىٌ أَيْرَانٌ»

فهرست

زمینه‌های نظری و تاریخی گذار به مردم‌سالاری ۱۳
موج جدید نظریه‌های گذار به دموکراسی ۴۱
زمینه‌های سیاسی و اجتماعی فروپاشی ۹۳
رژیم‌های غیردموکراتیک و گذار آن‌ها به دموکراسی
کارکردهای اپوزیسیون در گذار به دموکراسی ۱۲۳
گذار به دموکراسی از چشم‌انداز بسیج سیاسی ۱۵۷
گذار به دموکراسی از چشم‌انداز نظریه تصمیم‌گیری ۲۰۳
وضع دولت رفاهی به عنوان پشتوانه دموکراسی ۲۲۹
در عصر جهانی شدن سرمایه‌داری
در آستانه آنومی سیاسی در ایران ۲۵۳

— «مفهوم دموکراسی از این اندیشه برخاست که اگر آدمیان از یک جهت
ارسطو
برابرند، پس باید از همه جهات برابر باشند.»

* * *

— «مردم در دموکراسی‌ها از عهده دو کار برنمی‌آیند: یکی این‌که جنگی را
آغاز کنند و دوم این‌که آن را به پایان بیاورند.»

* * *

— «اگر کل بشریت جز یک تن همگی هم عقیده بودند، باز هم اقدام بشریت در
سرکوب عقیده آن یک تن مشروع‌تر و موجه‌تر از اقدام آن یک تن در
جان استوارت میل سرکوت عقیده کل بشریت نبود.»

* * *

— «در دموکراسی هر کس حق دارد نظر ناصواب هم داشته باشد.»
کلود پیر

* * *

— «اگر همه حکومت‌های دیگر را که تاکنون پدیدار شده‌اند، استثنای کنیم،
دموکراسی بدترین نوع حکومت است.»

* * *

— «بهترین سلاح دیکتاتوری‌ها، پنهان‌کاری و بهترین سلاح دموکراسی‌ها
شفافیت است.»

* * *

۸ گذار به مردم سالاری

— «دموکراسی به این معنی است که مردم آزادانه سخن بگویند. و حکومت نیز صبورانه گوش دهد.»
السلدر فاروگیا

* * *

— «هر چیز که سیاستمداران را فروتن و متواضع سازد، به حال دموکراسی سودمند است.»
مایکل کنیرلی

* * *

الن بارت — «نقد و دگراندیشی پادز هر توهمات بزرگ است.»

* * *

توماس جفرسون — «اطلاعات، پول رایج در بازار دموکراسی است.»

* * *

آبراهام لینکلن — «هیچ انسانی آنقدر از نظر اخلاقی شایسته نیست که بدون رضایت دیگران بر ایشان حکومت کند.»

* * *

— «همه نارسایی‌های دموکراسی را می‌توان با دموکراسی بیشتر در مان آفرید اسمیت کرد.»

* * *

— «دموکراسی دو حسن دارد: یکی آن‌که تنوع را می‌پذیرد و دوم آن‌که انتقاد و دگراندیشی را مجاز می‌دارد.»
ادوارد فورستر

* * *

— «دموکراسی حکومت کسانی است که تربیت نشده‌اند، اما حکومت اشراف حکومت کسانی است که بد تربیت شده‌اند.»
گیلبرت چستر تن

* * *

- «محافظه کاری یعنی اعطای حق رأی به نیاکان مردۀ خودمان؛
محافظه کاری دموکراسی مردگان است.»
گیلبرت چسترتن

* * *

- «نقد و دگراندیشی در دموکراسی‌ها مانند دارو است که فایده‌اش نه در طعم
و نیایم فولبرایت
و مزه بلکه در اثرگذاری آن می‌باشد.»

* * *

- «در دموکراسی‌ها هر کس می‌تواند هر چه می‌خواهد آرزو کند. اما در
نهایت تنها به چیزی دست می‌یابد که سزاوار آن است.»
ادوارد ابی

* * *

- «از جاکه دو گرگ و یک بره دسته‌جمعی تصمیم بگیرند که شام چه
بحورند، نشانی از دموکراسی نخواهد بود.»
جیمز بویارد

* * *

- «دموکراسی فدرات انتخاب اکثریت عامی را جانشین قدرت انتصاب اقلیت
تنگ نظر می‌سازد.»
جرج برناردشا

* * *

۱

زمینه‌های نظری و تاریخی گذار به مردم‌سالاری

امروزه مبحث نظری گذار به مردم‌سالاری و زمینه‌های اجتماعی آن مهم‌ترین مبحث در جامعه‌شناسی سیاسی به‌شمار می‌رود. و حتی می‌توان گفت که با توجه به اهمیت و دامنه گسترده این مبحث، جامعه‌شناسی سیاسی چیزی جز جامعه‌شناسی زمینه‌های گذار به مردم‌سالاری نیست. با افزایش شمار دموکراسی‌ها در دو دهه اخیر دامنه ادبیات و نظریه‌پردازی درباره گذار به مردم‌سالاری نیز به شیوه‌بی سابقه‌ای گسترش یافته است. این ادبیات دیگر چندان با مباحث فلسفی درباب معنا و مفهوم و یا امتیاز دموکراسی بر سایر نظام‌های سیاسی سروکاری ندارد. امروز فرض عمومی بر این است که همه آرمان‌ها و آمال عایی انسان که به ندرت یک جاگرد می‌آیند، از جمله نظم و امنیت، حکومت قانون، آزادی، برابری، رعایت حقوق فردی، پاسداری از مصلحت عمومی، عدالت، شادی و رفاه، پراکندگی قدرت، پیشرفت دانش، تولید ثروت، تأمین صلح، مدارا و تساهل، کثرت نگرایی، خودمختاری فردی، پاسداری از تنوعات اجتماعی، پایداری فضایی اخلاقی فردی و عمومی و سرانجام ایجاد فضای مناسب برای رسیدن به «حقیقت» از طریق نقد و انتقاد و آزمون و خطأ. در حد امکان تنها در سایه نظام‌های مردم‌سالار تحقق پذیراند. ادبیات گذار به دموکراسی این‌گونه مباحث فلسفی را مفروض می‌گیرد و به جای آن تنها فرایندها و زمینه‌های گذار از رژیم‌های

۱۴ گذار به مردم‌سالاری

غیرمردم‌سالار به نظام‌های مردم‌سالار و زمینه‌های تحکیم و پایداری آن‌ها در کوتاه‌مدت را بررسی می‌کند. از چنین چشم‌اندازی، و در ساده‌ترین تعریف، گذار به دموکراسی از یک سو از لحاظ سیاسی به معنی استقرار حکومت انتخابی و مسئول از طریق رقابت آزاد و عادلانه میان همه نیروهای سیاسی موجود، و از سوی دیگر از لحاظ اجتماعی به مفهوم برخورداری عموم مردم از آزادی‌ها و حقوق مدنی و سیاسی و پدایش انجمن‌ها و نهادهای مدنی فعال و مؤثر است. به سخن دیگر به طور خلاصه گذار به دموکراسی دو بُعد دارد: یکی حکومتی و دوم اجتماعی:

بعد حکومتی: (۱) تشکیل حکومت انتخابی و پاسخگو؛

(۲) رقابت آزاد و عادلانه میان نیروها و احزاب سیاسی؛

بعد اجتماعی: (۱) برخورداری مردم از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی؛

(۲) وجود و فعالیت انجمن‌ها و نهادهای جامعه مدنی؛

مبحث گذار به دموکراسی از حیث نظری در ذیل سه مقوله اساسی مطرح

شده است:

۱) گونه‌شناسی که بحثی است درباره وجود و اشکال گوناگون گذار؛

۲) ریشه‌یابی که بحثی است در باب علل و زمینه‌های گوناگون گذار؛

۳) فرجام‌شناسی که بحثی درباره فرایند و مراحل گوناگون گذار و به ویژه زمینه‌ها و شرایط تحکیم و بلوغ دموکراسی است

در مبحث نخست سه ملاک اصلی در دسته‌بندی وجود و اشکال گذار به

مردم‌سالاری در ادبیات موجود به کار رفته است:

۱) خاستگاه اصلی گذار که ممکن است از بالا (اصلاح سیاسی) و یا از پایین (انقلاب سیاسی) و تا از خارج (مداخله یا جنگ خارجی) باشد.

۲) شیوه گذار که ممکن است از طریق سازش و مصالحة بخش‌هایی از

زمینه‌های نظری و تاریخی... ۱۵

احزاب و نیروهای حاکم و مخالف به نحوی مسالمت‌آمیز صورت گیرد و یا به واسطه کودتا، انقلاب و یا مداخله خارجی به وجهی خشونت‌بار رخ دهد.

(۲) میزان تحول سیاسی اولیه از این حیث که تغییر صرفاً در سیاست‌های گروه حاکم و یا در خود گروه حکومت‌گر و در نهایت در ساختار و قواعد زندگی سیاسی (قانون اساسی) رخ نماید.

این که کدام یک از وجوه و اشکال نامبرده در گذار به مردم‌سالاری رخ نماید، البته بستگی به عوامل گوناگون دارد؛ از جمله بر عوامل زیر در ادبیات گذار تأکید شده است:

(۱) وحدت یا پراکندگی گروه‌های تشکیل‌دهنده طبقه سیاسی حکومت‌گر، به این معنی که انسجام و وحدت بیشتر در پایان کار به وقوع گذار خشونت‌بار می‌انجامد، در حالی که پراکندگی و تشیت طبقه حاکمه از عوامل مهم احتمال وقوع گذارهای مسالمت‌آمیز بوده است.

(۲) میزان نیرومندی و سازمان‌یافتنگی گروه‌های مخالف، به این معنی که وقتی گروه‌های مخالف حکومت ناتوان و بی‌سازمان بوده‌اند در نهایت گذار به شکلی خشونت‌بار رخ نموده است، در حالی که نیرومندی و سازمان‌یافتنگی گروه‌های مخالف یکی از مهم‌ترین عوامل در گذارهای سازش آمیز بوده است.

(۳) جهت‌گیری و میزان مقاومت نیروهای مسلح؛ مقاومت بالای این نیروها گرچه در مراحل اولیه از گذار توفیق‌آمیز جلوگیری می‌کند لیکن در صورت تحقق عوامل لازم دیگر نهایتاً به خشونت‌بار شدن گذار می‌انجامد، در حالی که عدم مقاومت نیروهای مسلح در برابر فرایند گذار از عوامل مهم در گذارهای مسالمت‌آمیز بهشمار می‌آید.

در مبحث دوم که گسترده‌ترین حوزه مطالعاتی گذار به دموکراسی است،